

بهینه‌سازی حذف بیولوژیکی فاضلابهای حاوی گازوئیل شناور بر روی سطح آب به روش تاگوچی

امیررضا طلائی^۱

محمد رضا طلائی^۲

نعمت‌اله جعفرزاده حقیقی فر^۳

(دریافت ۸۶/۱۲/۴ پذیرش ۸۸/۲/۱۳)

چکیده

در این مطالعه دو باکتری که توانایی تجزیه گازوئیل شناور بر روی سطح آب را داشتند، از گازوئیل عرضه شده در یک پمپ بنزین در شهر اصفهان جداسازی گردید. در بخشی از این مطالعه، باکتری‌های جدا شده که A_1 و A_2 نامیده شدند، برای بررسی توانای‌شان در تجزیه گازوئیل، در دو حالت کشت مخلوط و خالص به کار گرفته شدند. بررسی‌ها نشان داد که در هر دو حالت، باکتری‌ها قادر به حذف گازوئیل بوده و توانایی آنها در حذف گازوئیل در هر دو حالت کشت خالص و مخلوط تقریباً یکسان است. باکتری A_1 برای بررسی‌های بیشتر مورد آزمایش‌های مختلفی به منظور شناسایی قرار گرفت و مشخص شد این باکتری *سودوموناس آئروژنوزا* می‌باشد. شاخص امولسیون‌سازی باکتری‌ها هم در این مطالعه به کمک آزمون E_{24} بررسی گردید و مشخص نمود باکتری‌های خالص‌سازی شده تا حدی توانایی تولید بیوسورفکتانت را دارا می‌باشند. شاخص امولسیون‌سازی A_1 و A_2 به ترتیب ۲۳ درصد و ۲۱ درصد بود. در نهایت برای افزایش کارایی باکتری‌ها به کمک روش تاگوچی شرایط بهینه رشد مشخص گردید. در فرایند بهینه‌سازی رشد، چهار پارامتر pH، غلظت منبع نیتروژن، غلظت گازوئیل و شوری موجود در محیط در نظر گرفته شد و بهترین میزان هر یک از آنها به ترتیب ۸، ۰/۵۵ گرم در لیتر، ۲ درصد و ۸ درصد تعیین شد.

واژه‌های کلیدی: گازوئیل شناور، تجزیه بیولوژیک، تاگوچی، طراحی آزمایش‌ها، شرایط بهینه.

Optimizing Biodegradation of Floating Diesel Fuel Contaminated Wastewater Using the Taguchy Method

Amir Reza Talaie¹

Mohammad Reza Talaie²

Nematollah Jafarzadeh Haghighifar³

(Received Feb. 23, 2008 Accepted May. 3, 2009)

Abstract

In this study, biodegradation of floating diesel fuel was investigated by using two gram negative strains designated as A_1 and A_2 which were isolated from a reservoir tank of a gas station in Isfahan. One of them was identified as *pseudomonas aeruginosa*. The percent removal of diesel fuel was evaluated for pure and mixture cultivations. The highest removal percent belonged to A_1 , which was able to remove 88% of the floating diesel fuel. Also the evaluation of emulsification index (E_{24}) of the cultivation mixture indicates that the microorganisms can produce a significant amount of biosurfactant. The emulsification index values for A_1 and A_2 were 23% and 21%, respectively. pH, nitrogen source concentration, fuel concentration, and salinity at three levels were investigated and the optimum values of these parameters were determined at 8, 0.55 g/lit, 2%, and 8%, respectively.

Keywords: Diesel Fuel, Biodegradation, Taguchy, Experimental Design, Optimization.

1. M.Sc. and faculty member of Chemical Engineering Civil and Environmental Engineering Dept., Jami Institute of Technology, Delijan (Corresponding Author) (+98 866) 4225678 atalaie@jami.ac.ir

2. Assis. Prof. of Chemical Engineering, Faculty of Chemical Engineering, University of Isfahan

3. Assoc. Prof. of Environmental Health, Dept. of Public Health, Ahwaz University of Medical Sciences

۱- کارشناس ارشد گروه مهندسی عمران و محیط زیست، موسسه آموزش عالی جامی دلجیان، و عضو هیئت علمی (نویسنده مسئول) ۴۲۲۵۶۷۸ (۰۸۶۶) atalaie@jami.ac.ir

۲- استادیار گروه مهندسی شیمی، دانشگاه اصفهان

۳- دانشیار دانشکده بهداشت، گروه مهندسی بهداشت محیط، دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز

کم هزینه تر و مؤثرتر می‌باشند، سازگاری بیشتری نیز با محیط زیست دارند.

تحقیقات بسیاری بر روی تجزیه بیولوژیکی ترکیبات نفتی به انجام رسیده و نشان داده است که این روش کاملاً امکان‌پذیر بوده و می‌تواند یکی از اقتصادی‌ترین و مؤثرترین روشهای حذف ترکیبات نفتی از محیط‌های آبی باشد [۸-۱۴]. به‌طور مثال لی و همکاران^۱ در مطالعه‌ای بر روی تجزیه بیولوژیک فاضلابهای آلوده به نفت خام توانستند تعدادی میکروارگانیسم را شناسایی نمایند که قادر به مصرف نفت خام به‌صورت محلول و یا به‌صورت قطرات ریز بودند. این میکروارگانیسم‌ها در pH برابر با ۷/۲ و دمای ۴۵ درجه سانتی‌گراد و یک درصد وزنی حجمی (W/V) از $(\text{NH}_4)_2\text{SO}_4$ به‌عنوان منبع نیتروژن بهترین نتیجه را در تجزیه ترکیبات نفتی کسب نمودند [۱۵]. تلز و همکاران^۲ به بررسی یک سیستم لجن فعال در حذف نفت خام از فاضلابهای آلوده به نفت پرداخت، وی موفق به تجزیه ۹۲ درصد کل ترکیبات نفتی (بر مبنای COD) در مرحله تصفیه بیولوژیکی و ۹۷ درصد ترکیبات نفتی پس از ته‌نشینی و فیلتراسیون شد [۱]. دیبل^۳ و بارتا^۴ نیز در مطالعه خود دریافتند حضور نیتروژن و فسفر منجر به افزایش راندمان ترکیبات نفتی می‌گردد ولی حضور آهن به‌دلیل غلظت بالای آن در آب دریا تأثیری بر راندمان حذف ندارد [۱۶]. ویرا و همکاران^۵ نیز در مطالعه‌ای به مقایسه تجزیه بیولوژیک گازوئیل توسط دو دسته از میکروارگانیسم‌های جدا شده از خاک دریاچه‌ای که حاوی مقادیر زیادی از گازوئیل بود، پرداختند. آنها در ادامه کار، بهینه‌سازی شرایط رشد این میکروارگانیسم‌ها را انجام دادند. در مطالعه مذکور در مدت زمان ۴۹ روز ۹۰ درصد گازوئیل موجود در محیط تجزیه شد [۶]. لیانگ و همکاران^۶ نیز مطالعه‌ای را بر روی تجزیه بیولوژیک نفت خام توسط باکتری *Sordomonas aeruginosa*^۷ انجام دادند. آنها به این نتیجه رسیدند که برای شروع تجزیه بیولوژیکی نفت خام، به مقادیر اندکی سورفکتانت و یا منابع کربن سریع تجزیه شونده، نیاز است [۱۷]. کریستوز و همکاران^۸ نیز به بررسی تجزیه بیولوژیکی نفت خام به‌کمک باکتری‌های گرمادوست جدا شده از آتشفشان، پرداختند. آنها ۱۵۰ باکتری گرمادوست را از محیط، جدا سازی نمودند. ایشان اعتقاد داشتند که امکان تجزیه ترکیبات نفتی در باکتری‌ها به واسطه وجود یک ژن با نام *alkJ* امکان‌پذیر

ترکیبات نفتی در آب به دو صورت محلول و معلق و در غلظتهای مختلف موجود هستند [۱]. این ترکیبات ساختار پیچیده‌ای دارند و معمولاً در نفت خام و یا گاز طبیعی یافت می‌شوند. این مواد اصولاً دارای محدوده وسیعی از نقطه جوش، تعداد اتم کربن، خانواده‌های شیمیایی و ساختارهای مختلف ایزومری هستند. هیدروکربن‌های اصلی که در آبهای در تماس با ترکیبات نفتی مثل برخی پسابهای صنعتی، یافت می‌شوند، شامل الکان‌ها، الکن‌ها، ترکیبات آروماتیک، آروماتیک‌های چند حلقه‌ای و ترکیبات پیچیده هیدروکربنی حاوی اکسیژن، نیتروژن و سولفور می‌باشند [۲]. تقریباً ۹۰ درصد گروه‌های شناسایی شده در پسابهای آلوده به ترکیبات نفتی را ملکول‌های C_{10} الی C_{30} با زنجیره‌های مستقیم تشکیل می‌دهند [۳]. نرمال الکان‌ها با فرمول عمومی $\text{C}_n\text{H}_{2n+2}$ که بیشترین غلظت ترکیبات نفتی موجود در پسابها را تشکیل می‌دهند، در محدوده C_{14} تا C_{18} می‌باشند که با افزایش تدریجی تعداد اتم کربن تا C_{30} ، غلظت این ترکیبات در پسابها کاهش می‌یابد [۴]. تنها ۲۵ درصد نرمال الکان‌هایی که در پسابها وجود دارند دارای ملکول‌های سنگین بین C_{21} تا C_{34} هستند. دو عامل مهم ورود ترکیبات نفتی به محیط زیست، نشت و پخش شدن تصادفی آنها در هنگام اکتشاف، تولید، پالایش، حمل و نقل و نگهداری ترکیبات نفتی است. ورود فراورده‌های ناشی از نفت خام از طریق کشتی‌هایی که قادر به حمل بیش از هزاران تن فراورده‌های نفتی هستند، یکی از عوامل آلاینده دریاها و اقیانوسها به این‌گونه ترکیبات است که میزان آن نیز روز به روز افزایش می‌یابد [۵]. در این میان ورود برخی از ترکیبات ناشی از فراوری نفت خام مانند گازوئیل به آنها نیز مشکلات فراوانی را برای محیط زیست ایجاد نموده است. گازوئیل در ترمینال‌های توزیع سوخت و یا از طریق پساب پالایشگاهها و یا در هنگام حمل نقل دریایی و زمینی، می‌تواند به آبهای پذیرنده راه یابد. گازوئیل یک ترکیب پیچیده شامل پارافین‌ها، اولفین‌ها، هیدروکربن‌های آلیفاتیک و مقادیر اندکی از آروماتیک‌ها و ملکول‌های حاوی سولفور، نیتروژن و اکسیژن است [۶]. به‌طور معمول ترکیبات آروماتیک سمی‌تر از ترکیبات آلیفاتیک با همان تعداد اتم کربن می‌باشند و در غلظتهای بالاتری نیز در آب یافت می‌شوند، زیرا حلالیت آروماتیک‌ها پنج برابر بیشتر از آلیفاتیک‌ها است [۷]. محققان به بررسی روشهای گوناگون تجزیه این ترکیبات در محیط‌های مختلف آبی و خاکی پرداخته‌اند و به نتایج مطلوبی نیز دست پیدا نموده‌اند. در این میان، روشهای فیزیکی مانند شناورسازی و روشهای شیمیایی مانند استفاده از سورفکتانت‌ها به‌طور معمول پرهزینه و دارای محدودیتهای فراوانی هستند. اما روشهای بیولوژیکی علاوه بر اینکه

¹ Li et al.

² Tellez et al.

³ Dibble

⁴ Bartha

⁵ Vieira et al.

⁶ Liang et al.

⁷ *Pseudomonas Aeruginosa*

⁸ Christos et al.

می‌گردد. به همین دلیل به کمک یک دستگاه PCR^۱ که دستگاهی برای تعیین توالی ژنتیکی می‌باشد، کلیه باکتری‌ها برای شناسایی این ژن مورد بررسی قرار گرفتند. تعداد باکتری‌های جدا شده که دارای این ژن خاص بودند، ۱۰ گونه بود. این ژن در گونه‌های سودوموناس که تجزیه کننده ترکیبات نفتی است، یافت می‌گردد. این گونه‌ها، توانایی حذف ترکیبات نفتی را در محدوده ۴۶ تا ۸۸ درصد دارا بودند [۱۸].

هدف از این تحقیق، بررسی کارایی حذف گازوئیل شناور در آب با کمک میکروارگانیسم‌های جدا شده از گازوئیل عرضه شده در جایگاههای پخش سوخت بود. در این مطالعه، مقایسه‌ای میان دو گونه میکروارگانیسم جدا شده از منبع مذکور در دو حالت کشت خالص و کشت مخلوط به انجام رسید و در نهایت بهینه‌سازی شرایط حذف گازوئیل به روش تاگوچی^۲ انجام پذیرفت. مطالعه حاضر دارای دو برجستگی مهم نسبت به تحقیقات قبلی است: یکی تجزیه گازوئیل شناور بر روی سطح آب و دوم استفاده از میکروارگانیسم‌هایی که سالها در مخزن ذخیره پمپ بنزین در معرض غلظتهای بسیار زیادی از ترکیبات نفتی بوده‌اند.

۲- مواد و روشها

۲-۱- نمونه برداری

برای به دست آوردن میکروارگانیسم‌های احتمالی موجود در گازوئیل عرضه شده در پمپ بنزین، یک لیتر از گازوئیل در یک ظرف شیشه‌ای با دهانه بزرگ که قبلاً استریل شده بود، از پمپ بنزین خریداری شد و نهایتاً پس از بستن درب آن به سرعت و در کمتر از ۲۵ دقیقه به آزمایشگاه منتقل شد.

۲-۲- جداسازی میکروارگانیسم

برای جداسازی میکروارگانیسم‌های احتمالی موجود در گازوئیل عرضه شده در جایگاههای توزیع سوخت، یک میلی لیتر از آن را در یک ارلن مایر ۲۵۰ میلی لیتری حاوی ۱۰۰ میلی لیتر از محیط کشت معدنی حاوی ۱/۱ گرم در لیتر $MgSO_4$ ، ۵/۵ گرم در لیتر KH_2PO_4 ، ۱/۰۱ گرم در لیتر $CaCl_2 \cdot 2H_2O$ ، ۱/۰۱ گرم در لیتر $FeSO_4$ ، ۱ گرم در لیتر $NaNO_3$ ، ۵/۵ گرم در لیتر K_2HPO_4 ریخته شد و pH نمونه به کمک محلول هیدروکسید سدیم بر روی ۷/۲ تنظیم گشت [۱۵ و ۱۷]. گازوئیل اضافه شده به ارلن مایر مذکور، به عنوان تنها منبع کربن موجود در محیط معدنی بود. محیط فوق در یک شیکر انکوباتور با دمای ۳۰ درجه سانتی گراد و با شدت هوادهی ۱۶۰ دور در دقیقه به مدت ۷۲ ساعت قرار گرفت. پس از

این مدت زمان، ۵ میلی لیتر از این محیط به یک ارلن مایر ۲۵۰ میلی لیتری دیگر که محتوی ۱۰۰ میلی لیتر محیط کشت معدنی جدید با همان محتوای قبلی بود، منتقل شد. تنها تفاوت این دو مرحله در استفاده از گازوئیل استریل به عنوان تنها منبع کربن بود. جداسازی میکروارگانیسم‌ها از گازوئیل به کمک عبور آن از صافی میلی پور انجام شد. این ارلن مایر نیز مجدداً به مدت ۶ روز در همان شرایط قبل، انکوباسیون گشت.

۲-۳- خالص سازی میکروارگانیسم‌ها

خالص سازی میکروارگانیسم‌های جدا شده در این مطالعه به کمک کشت خطی و به روش زیر انجام گرفت [۲]. با کمک لوپ آزمایشگاهی، ۰/۱ میلی لیتر از میکروارگانیسم‌های رشد نموده در ارلن مایر حاوی محیط معدنی به یک پلیت استریل که حاوی ۲۰ میلی لیتر محیط معدنی جامد شده با کمک ۱۶ گرم در لیتر آگار- آگار بود، تلقیح شد. ۱۰۰ میلی لیتر از گازوئیل، برای حذف میکروارگانیسم‌های احتمالی موجود در آن، از صافی میلی پور استریل عبور داده شد و ۱ میلی لیتر آن به عنوان منبع اصلی کربن بر روی سطح پلیت حاوی محیط معدنی جامد پخش گردید [۱۵]. پس از گذشت ۲۴ ساعت دو نوع کلنی بر روی محیط معدنی، رشد نمود. این کلنی‌ها با کمک لوپ آزمایشگاهی و در شرایط استریل به محیط‌های معدنی جامد جدید، انتقال داده شد. این عمل تا به دست آمدن یک کشت خالص از هر میکروارگانیسم ادامه یافت. در نهایت از هر کلنی، اسلنت تهیه کرده و در دمای ۴ درجه سانتی گراد نگهداری شد. برای نگهداری طولانی مدت این اسلنت‌ها، هر ۴ ماه یک بار میکروارگانیسم‌های موجود بر روی آنها پس از مرحله فعال سازی به اسلنت‌های جدید منتقل می‌شد [۲]. برای فعال سازی، اسلنت‌ها به مدت ۲۴ ساعت در دمای ۳۰ درجه سانتی گراد مورد انکوباسیون قرار گرفتند و پس از آن مقداری از میکروارگانیسم‌های موجود در آنها توسط لوپ آزمایشگاهی و در شرایط استریل به پلیت‌های حاوی محیط کشت آگار- آگار آغشته به گازوئیل، انتقال یافت. این پلیت‌ها پس از ۲۴ ساعت انکوباسیون، فعال شده و آماده استفاده گردید [۲]. از میکروارگانیسم‌های رشد نموده بر روی پلیت‌ها برای تهیه اسلنت جدید استفاده شد.

۲-۴- مطالعات میکروسکوپی

در طول مدت مطالعه، بررسی‌های میکروسکوپی با تهیه لام مرطوب انجام پذیرفت و رنگ آمیزی گرم، به روش استاندارد انجام شد [۲]. مشاهده میکروارگانیسم‌ها، با استفاده از یک میکروسکوپ با بزرگ نمایی ۱۰۰۰ برابر و روغن امرسیون انجام شد و همچنین عکس برداری از میکروارگانیسم‌ها صورت گرفت.

¹ Polymerase Change Reaction

² Taguchi

۲-۵- سنجش کارایی میکروارگانیسم‌ها

استفاده گردید. برای تعیین شرایط بهینه رشد میکروارگانیسم‌ها، چهار عامل در سه سطح مختلف در نظر گرفته شد. سطوح و عوامل در نظر گرفته شده در جدول ۱ نمایش داده شده است. به منظور طراحی آزمایش‌ها از نرم افزار 4-Qualitek استفاده گشت [۲]. حاصل طراحی آزمایش‌ها یک جدول با ۹ آزمایش بود (L₉) که ریز آزمایش‌های آن در جدول ۲ نشان داده شده است.

جدول ۱- فاکتورها و سطوح در نظر گرفته شده در طراحی آزمایش‌ها

شماره	فاکتور	سطح ۱	سطح ۲	سطح ۳
۱	pH	۶	۷	۸
۲	غلظت منبع نیتروژن (g/l)	۰/۲۱	۰/۵۵	۰/۸۵
۳	غلظت گازوئیل (درصد)	۰/۵	۱	۲
۴	درصد شوری محیط	۴	۶	۸

جدول ۲- آزمایش‌های طراحی شده به روش تاگوچی

شماره آزمایش	pH	غلظت منبع نیتروژن بر حسب گرم بر لیتر		غلظت گازوئیل بر حسب درصد (w/v)	درصد شوری
		۰/۲۱	۰/۵۵		
۱	۶	۰/۲۱	۰/۵	۴	
۲	۶	۰/۵۵	۱	۶	
۳	۶	۰/۸۵	۲	۸	
۴	۷	۰/۲۱	۱	۸	
۵	۷	۰/۵۵	۲	۴	
۶	۷	۰/۸۵	۰/۵	۶	
۷	۸	۰/۲۱	۲	۶	
۸	۸	۰/۵۵	۰/۵	۸	
۹	۸	۰/۸۵	۱	۴	

برای انجام آزمایش‌ها از ۹ ارلن مایر ۲۵۰ میلی‌لیتری حاوی ۱۰۰ میلی‌لیتر محیط معدنی و ۲ میلی‌لیتر از میکروارگانیسم‌های شناور در سرم فیزیولوژیک استفاده گشت. برای افزایش شوری محلول از NaCl استفاده شد. در این مطالعه از ترکیب NaNO₃ به‌عنوان منبع نیتروژن استفاده گردید. به تعداد هر ارلن مایر، یک نمونه شاهد با همان شرایط و بدون میکروارگانیسم، تهیه گردید. در نهایت کلیه ارلن مایرها در یک شیکر با شدت هوادهی ۱۶۰ دور در دقیقه به مدت ۷ روز قرار گرفتند. پس از گذشت مدت زمان ذکر شده، غلظت گازوئیل موجود در کلیه نمونه‌ها پس از استخراج

برای سنجش کارایی میکروارگانیسم‌ها، مقداری از آنها از اسلنت‌های تهیه شده به دو ارلن مایر ۲۵۰ میلی‌لیتری جداگانه که هر یک حاوی ۱۰۰ میلی‌لیتر محیط کشت نوترینت برات^۱ بود، منتقل شد. این ارلن مایرها، به مدت ۲۰ ساعت در یک شیکر انکوباتور با دمای ۳۰ درجه سانتی‌گراد و شدت هوادهی ۱۶۰ دور در دقیقه قرار گرفتند. پس از گذشت این مدت مقداری از محیط مذکور برداشت شد و میکروارگانیسم‌ها با کمک سانتریفوژ با سرعت ۳۰۰۰ دور در دقیقه و در مدت زمان ۱۵ دقیقه از محیط کشت نوترینت برات جدا شدند. در نهایت با کمک ورتکس^۲ با دور پایین میکروارگانیسم‌های جدا شده، در سرم فیزیولوژیک (۹ گرم در لیتر NaCl) معلق گردیدند. برای اینکه میکروارگانیسم‌ها با غلظت‌های یکسان در آزمایش‌ها به‌کار روند، غلظت آنها به‌کمک روش اسپکتروفتومتری اندازه‌گیری شد [۲]. یک میلی‌لیتر از هر یک از میکروارگانیسم‌های معلق در سرم فیزیولوژیک به دو ارلن مایر ۲۵۰ میلی‌لیتری حاوی ۱۰۰ میلی‌لیتر محیط کشت معدنی ذکر شده در بخش ۲-۲، اضافه شد. برای سنجش کارایی میکروارگانیسم‌ها در حالت کشت مخلوط، ۰/۵ میلی‌لیتر از هر یک از میکروارگانیسم‌ها به یک ارلن مایر دیگر که حاوی ۱۰۰ میلی‌لیتر محیط کشت معدنی بود، اضافه گردید. به هر ارلن مایر، یک میلی‌لیتر گازوئیل استریل افزوده شد. هر سه ارلن مایر در یک شیکر انکوباتور با شدت هوادهی ۱۶۰ دور در دقیقه و دمای ۳۰ درجه سانتی‌گراد به مدت ۷ روز قرار گرفتند. پس از این مدت، میزان گازوئیل باقی‌مانده در محیط، اندازه‌گیری شد [۲ و ۱۹].

۲-۶- آزمون شاخص امولسیون‌سازی (E24)

برای تعیین امکان تولید بیوسورفکتانت در محیط و تعیین کارایی آن از آزمون E24 استفاده شد. در این آزمون پس از کشت میکروارگانیسم‌ها در محیط کشت معدنی به مدت ۷ روز، ۲ میلی‌لیتر از هر یک از محیط‌های کشت معدنی به چهار لوله آزمایش حاوی ۲ میلی‌لیتر گازوئیل اضافه شده و به مدت ۳ دقیقه تحت ورتکس شدید قرار گرفت. سپس لوله‌ها به مدت ۲۴ ساعت در یک محیط ساکن قرار گرفتند. پس از این مدت، نسبت ارتفاع لایه امولسیون ایجاد شده به کل مایع موجود در لوله محاسبه شده و به‌عنوان شاخص امولسیون‌سازی گزارش گردید [۱۹].

۲-۷- تعیین شرایط بهینه

در تعیین شرایط بهینه از طراحی آزمایش‌ها استفاده گردید و از میان روشهای مختلف طراحی آزمایش‌ها، روش تاگوچی در این مطالعه،

¹ Nutrient Broth
² Vortex

توسط حلال تتراکلرید کربن توسط روشهای مختلف اسپکتوفتومتری مورد سنجش قرار گرفت.

نتایج آزمایشها به روش تاگوچی مورد ارزیابی آماری قرار گرفت. در روش تاگوچی برای تحلیل آماری و دقیق تر نتایج، از یک تابع پاسخ تبدیل یافته که به صورت نسبت علامت هر اثر (S) به اثرات ناشی از خطا (N) تعریف می گردد استفاده می شود. مزیت استفاده از این پاسخ جدید در تحلیل آماری، نسبت به شکل اولیه پاسخ، مقایسه بزرگی اثرات ناشی از هر عامل اصلی با اثرات ناشی از عوامل خطا و اغتشاش در اندازه گیری است، که در نتیجه منجر به برداشت دقیق تری از تأثیر واقعی عوامل بر سیستم خواهد شد [۲۰]. نحوه محاسبه نسبت S/N بسته به این که هدف، چه نوع بهینه سازی باشد، متفاوت خواهد بود. از آنجا که در این مطالعه پاسخ در نظر گرفته شده درصد حذف نفت خام است، و بنابراین هدف بیشینه سازی پاسخ می باشد، نسبت S/N به صورت رابطه ۱ محاسبه می گردد [۲۰]:

$$\frac{S}{N} = -10 \log \frac{(1/y_1^2 + 1/y_2^2 + \dots + 1/y_n^2)}{n} \quad (1)$$

که در این رابطه: y_n مقدار پاسخ اندازه گیری شده برای هر آزمایش در هر آزمون، و n تعداد تکرار آزمایشها (در اینجا برابر با ۲) می باشد. هدف جدید در مسئله، بیشینه سازی این پاسخ است.

۲-۸- نحوه استخراج

برای استخراج گازوئیل باقی مانده در نمونه ها و سنجش میزان آن پس از تجزیه بیولوژیکی، از حلال تتراکلرید کربن استفاده گردید. به این منظور ۲۵ میلی لیتر تتراکلرید کربن به هر نمونه اضافه شد و به مدت ۱۵ دقیقه با کمک مگنت در دور ۷۰۰ دور در دقیقه به شدت بهم زده شد. پس از این مدت دو فاز تتراکلرید کربن و محیط معدنی حاوی میکروارگانیسم، با کمک قیف جدا کننده از یکدیگر جدا شدند و سرانجام برای حذف ذرات معلق موجود در آن که باعث ایجاد خطا در امر جذب سنجی می گردید از سانتیفریوژ با سرعت ۵۰۰۰ دور در دقیقه و به مدت ۱۵ دقیقه استفاده گردید [۲۱].

۲-۹- روشهای آنالیز

اندازه گیری میزان گازوئیل موجود در محیط، توسط سنجش میزان جذب در طول موج ۴۰۰ نانومتر از نمونه استخراج شده، انجام شد [۲۱]. منحنی کالیبراسیون رسم شده برای این منظور $y = 0.1219x$ ($R^2=0.998$) می باشد. کلیه نمونه ها برای جلوگیری از ایجاد کمپلکس و خطا ۱۰۰ بار رقیق شدند [۲ و ۱۹].

غلظت گازوئیل به کمک یک روش اسپکتروفتومتری دیگر در محدوده طول موج ۱۹۰ تا ۵۰۰ نانومتر نیز سنجش گردید. در این روش پس از استخراج گازوئیل از محیط کشت، سانتیفریوژ نمونه و رقیق سازی، میزان جذب نمونه در طول موجهای بین ۱۹۰ تا ۵۰۰ نانومتر اندازه گیری شد. سطح زیر منحنی ایجاد شده در قبل و بعد از فرایند بیولوژیکی نشان دهنده میزان حذف ترکیبات موجود در گازوئیل بود [۱۵].

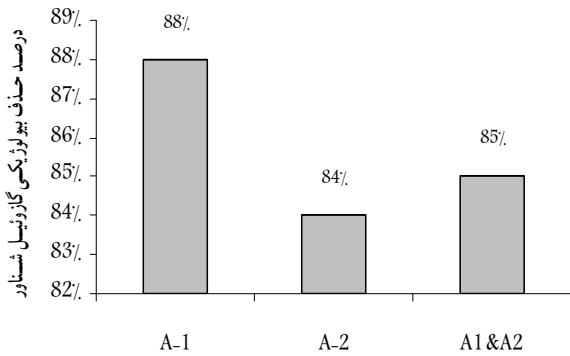
برای سنجش غلظت میکروارگانیسمها از روش جذب سنجی در طول موج ۶۰۰ نانومتر استفاده گردید [۲]. دستگاه اسپکتروفتومتر مورد استفاده در این مطالعه JascoV-570 با طول موج قابل تنظیم ۱۹۰ تا ۲۵۰۰ نانومتر بود.

۳- نتایج و بحث

۳-۱- میکروارگانیسمهای جدا شده

در این مطالعه دو نوع میکروارگانیسم به دست آمد که قادر به استفاده از گازوئیل به عنوان تنها منبع کربن خود بودند. این میکروارگانیسمها A_1 و A_2 نامگذاری شدند. کلنی های مربوط به گونه A_1 بر روی محیط نوترینت آگار، نارنجی رنگ و گونه A_2 سفید رنگ بود. مطالعات میکروسکوپی با کمک تهیه لام مرطوب، نشان از میکروارگانیسمهایی با تحرک بسیار بالا در نمونه A_1 و میکروارگانیسمهایی با تحرک بسیار کم در نمونه A_2 بود. رنگ آمیزی گرم مشخص کرد که هر دو میکروارگانیسم، گرم، منفی و از نوع باسیل هستند. نتایج آزمایشهای شناسایی میکروارگانیسم نشان داد که A_1 سودوموناس آئروژنوزا بود. آزمایشهای انجام شده و نتایج آن در جدول ۳ خلاصه شده است. سودوموناس آئروژنوزا قبلاً توسط برخی محققان به عنوان میکروارگانیسمی مناسب برای تولید بیوسورفکتانت معرفی شده بود و برخی دیگر از کشت خالص آن برای بررسی حذف ترکیبات نفتی استفاده نموده اند [۱۷].

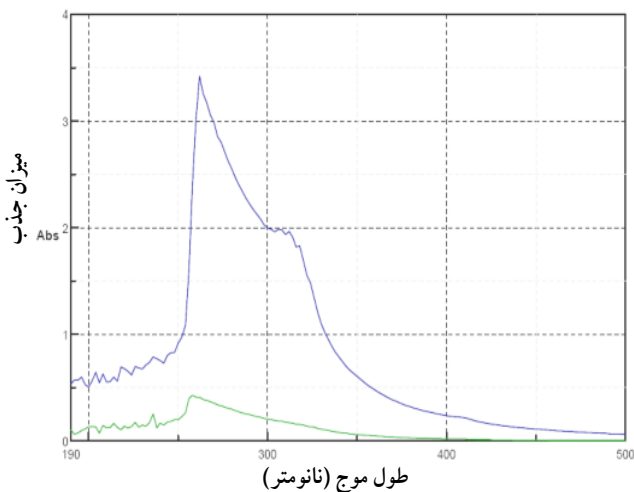
میکروارگانیسمهای جدا شده در این مطالعه احتمالاً مربوط به مخزن ذخیره سوخت پمپ بنزین بوده است که طی سالها با مصرف ترکیبات نفتی سازگار شده اند. میزان کاهش غلظت گازوئیل پس از تصفیه بیولوژیکی با کمک دو گونه باکتری جدا شده و همچنین کشت مخلوط آنها در شکل ۱ نمایش داده شده است. همان طور که در این شکل مشخص است درصد حذف گازوئیل در نمونه مخلوط ۸۵ درصد و در نمونه های A_1 و A_2 به ترتیب ۸۸ درصد و ۸۴ درصد در مدت زمان ۷ روز، pH برابر با ۷/۲، دما ۳۰ درجه سانتی گراد، غلظت گازوئیل ۰/۵ میلی لیتر در هر ۱۰۰ میلی لیتر و غلظت میکربی ۲۰۰۰ میلی گرم بر لیتر بود.



نوع میکروارگانیسم مورد استفاده در تجزیه بیولوژیک

شکل ۱- کارایی تجزیه گازوئیل توسط میکروارگانیسم‌های جدا شده در دو حالت کشت خالص و مخلوط

در شکل ۲، نتیجه طیف سنجی نمونه‌های تصفیه شده توسط مخلوطی از میکروارگانیسم‌های A₁ و A₂ نمایش داده شده است. منحنی شماره یک در شکل ۲ نشان دهنده میزان جذب نمونه قبل از تصفیه بیولوژیکی است و منحنی شماره دو، نشان دهنده میزان جذب پس از تصفیه بیولوژیکی است. با توجه به جذب هر طول موج توسط بخشی از ترکیبات آلی موجود در گازوئیل، کاهش شدید سطح زیر منحنی نشان دهنده تجزیه بخش زیادی از ترکیبات آلی موجود در گازوئیل توسط میکروارگانیسم‌های جدا شده در این مطالعه است. لی و همکارانش نیز با کمک این روش اسپکترومتری موفق به تشخیص کاهش شدیدی در میزان آلودگی فاضلابهای آلوده به نفت خام پس از تصفیه به کمک میکروارگانیسم‌های خالص‌سازی شده، شدند [۱۵].



شکل ۲- مربوط به طیف سنجی در محدوده ۱۹۰ تا ۵۰۰ نانومتر قبل و بعد از تصفیه بیولوژیکی به کمک کشت مخلوطی از A₁ و A₂

جدول ۳- آزمایش‌های انجام شده برای شناسایی میکروارگانیسم A₁ [۲]

نتیجه آزمایش	آزمایش‌های انجام شده
میکروارگانیسم A ₁ پس از رنگ آمیزی گرم و مشاهدات میکروسکوپی، یک باکتری میله ای (باسیل) تشخیص داده شد.	شکل میکروارگانیسم
آزمون کاتالاز با استفاده از آب اکسیژنه انجام شد و میکروارگانیسم کاتالاز مثبت تشخیص داده شد.	آزمون کاتالاز ^۱
آزمون اکسیداز به کمک دیسک‌های استاندارد انجام شد و میکروارگانیسم اکسیداز مثبت تشخیص داده شد.	آزمون اکسیداز ^۲
آزمون گرم بر طبق روش استاندارد انجام پذیرفت که نشان داد باکتری A ₁ از نوع گرم منفی بود.	آزمون گرم ^۳
این باکتری در شرایط بی‌هوازی قادر به رشد نبود. این امر نشان دهنده هوازی مطلق بودن باکتری بود.	آزمون رشد میکروارگانیسم در شرایط بی‌هوازی
این باکتری قادر به تولید سولفید هیدروژن نبود.	آزمون تولید سولفید هیدروژن (H ₂ S)
این باکتری در دمای بالا (۴۰ درجه سلسیوس) در محیط جامد نوترینت آگار پس از ۳ روز قادر به تولید پیگمان‌های سبز رنگ بود.	تولید پیگمان‌های رنگی
پیگمان تولیدی در اثر تماس با آب از محیط کشت جامد نوترینت آگار شسته می‌شد، بنابراین قابل حل در آب بود.	آزمون حل شدن پیگمان‌های تولیدی در آب
پیگمان تولیدی در اثر تماس با اسید استیک از محیط جامد نوترینت آگار شسته می‌شد، بنابراین قابل حل در اسید استیک بود.	آزمون حل شدن پیگمان‌های تولیدی در اسید استیک
پیگمان تولیدی در اثر تماس با کلروفرم از محیط کشت جامد نوترینت آگار شسته نمی‌شد، بنابراین این پیگمان تولیدی غیر قابل حل در کلروفرم بود.	آزمون حل شدن پیگمان‌های تولیدی در کلروفرم
A ₁ قادر به رشد در این محیط کشت بود.	قابلیت رشد میکروارگانیسم‌ها در محیط آسپاراژین برات ^۴
A ₁ قادر به رشد در این محیط کشت بود.	قابلیت رشد میکروارگانیسم‌ها در محیط استامید برات ^۵
باکتری پس از رشد در محیط نوترینت برات تولید بویی مطبوع می‌نمود و کدورتی یکنواخت در تمامی سطح محیط کشت ایجاد می‌نمود.	تولید بو و شکل رشد میکروارگانیسم در محیط مایع (نوترینت برات)
پس از رشد A ₁ بر روی محیط نوترینت آگار کلنی‌هایی تشکیل شد. وسط کلنی‌ها کمی برآمده تر از اطراف آن بود و حاشیه کلنی کاملاً نامنظم بود.	مورفولوژی کلنی بر روی محیط جامد

1 Cattalos
2 Oxidize
3 Gram
4 Asparagin Broth
5 Acetamid Broth

دو میکروارگانیزم یاد شده نیازی به کاربرد سورفکتانت سنتزی و یا ترکیبات سریع تجزیه شونده، نبود [۱].

۲-۳- بهینه‌سازی تجزیه گازوئیل

در ادامه کار، میکروارگانیزم‌های جدا شده در حالت کشت مخلوط برای تعیین شرایط رشد بهینه مورد آزمایش قرار گرفتند. این آزمایش‌ها طبق جدول ۲ (جدول طراحی آزمایش‌ها) به انجام رسید. نتایج حاصل از این آزمایش‌ها در جدول ۴ نمایش داده شده است. کلیه این آزمایش‌ها برای بررسی دقیق‌تر دوبار تکرار گردیدند. نرخهای سیگنال به نویز حاصل از محاسبات آماری هر پاسخ در آزمایش‌های طراحی شده نیز در جدول ۴ نمایش داده شده است. در این جدول نرخ S/N توسط رابطه ۱ محاسبه و گزارش گردیده است. اعداد ۱، ۲ و ۳ موجود در جدول ۴ به ترتیب به معنای سطح اول، سطح دوم و سطح سوم غلظت پارامترهای در نظر گرفته شده، می‌باشد. این سطوح در جدول ۱ دقیقاً مشخص شده‌اند. لازم به ذکر است که واحد نرخ S/N، دسیبل است [۲۰].

جدول ۴- جدول حاصل از طراحی آزمایش‌های صورت گرفته و نتایج آزمایش‌ها انجام شده

شماره آزمایش	pH	سطوح مختلف غلظت			سطوح مختلف غلظت		درصد حذف گازوئیل	
		منبع نیتروژن	منبع کربن	منبع	سطوح مختلف غلظت	سطوح مختلف غلظت	آزمون اول (درصد)	آزمون دوم (درصد)
۱	۱	۱	۱	۱	۲	۲۹	۳۲	۲۹/۶۵۴
۲	۱	۲	۲	۲	۳	۷۹	۸۳	۳۸/۱۶۱
۳	۱	۳	۳	۳	۱	۴۶	۴۴	۳۴/۱۹۸
۴	۲	۱	۲	۱	۲	۵۹	۶۰	۳۵/۴۸۹
۵	۲	۲	۳	۲	۲	۷۹	۷۸	۳۷/۸۹۶
۶	۲	۳	۱	۳	۳	۷۷	۷۸	۳۷/۷۸۵
۷	۳	۱	۳	۳	۳	۴۹	۴۲	۳۳/۰۸۳
۸	۳	۲	۱	۱	۱	۶۴	۶۹	۳۶/۴۳۸
۹	۳	۳	۲	۲	۲	۵۷	۵۰	۳۴/۵۱۱

مقدار میانگین کل هر دو تکرار آزمایش‌ها برابر ۶۰ درصد محاسبه گردید. حداقل این پاسخها در آزمون اول ۲۹ درصد و در آزمون دوم ۳۲ درصد بود. حداکثر این پاسخها نیز در آزمون اول و دوم به ترتیب ۷۹ و ۸۳ درصد گزارش شد. دامنه در آزمون اول ۵۰ درصد و در آزمون دوم ۵۱ درصد محاسبه گردید. انحراف معیار نیز برای آزمون اول ۱۷/۰ و برای آزمون دوم ۱۸۴/۰ تعیین شد.

همان‌طور که مشخص است کارایی میکروارگانیزم‌ها در حذف گازوئیل شناور بر روی آب در هر دو حالت کشت مخلوط و خالص و همچنین در هر دو نوع میکروارگانیزم در حالت کشت خالص تقریباً مشابه بود. این میکروارگانیزم‌ها به راحتی و در مدت زمان کمتری نسبت به سایر تحقیقات مشابه، قادر به تجزیه گازوئیل شناور بر روی آب بودند. به‌طور مثال ویرا و همکاران^۱ از یک دریاچه که فاضلابهای حاوی ترکیبات گازوئیل و بنزین به آن تخلیه می‌شد، دو دسته میکروارگانیزم که توانایی حذف ترکیبات نفتی را داشتند، جداسازی کردند. آنها در مدت زمان ۴۹ روز، حدوداً ۹۰ درصد گازوئیل و بنزین موجود در آب را تجزیه نمودند [۶]. لی و همکاران در مطالعه‌ای بر روی تجزیه بیولوژیک فاضلابهای تولیدی در مناطق نفت خیز، توانستند تعدادی میکروارگانیزم را شناسایی نمایند که قادر به مصرف نفت خام به صورت محلول و یا به صورت قطرات ریز بودند. لی در بررسی خود توانست ۸۰ درصد اکسیژن خواهی شیمیایی این فاضلابها را در مدت زمان ۷ روز کاهش دهد [۱۵]. تلز و همکاران به بررسی یک سیستم لجن فعال در حذف کل ترکیبات هیدروکربنی (TPH) از آبهای شور خارج شده از چاههای نفت که در حد اشباع حاوی نفت خام بودند، پرداختند. آنها در این بررسی توانستند ۹۸ درصد کل هیدروکربن‌های نفتی را در مدت زمان ماند میکربی ۲۰ روز تجزیه نمایند [۱].

نتایج حاصل از بررسی‌های انجام شده در این مطالعه نسبت به مطالعات گذشته، برتری‌هایی را نشان می‌دهد که از آن جمله می‌توان به مدت زمان کوتاه‌تر برای حذف گازوئیل به عنوان بخشی از ترکیبات موجود در نفت خام و میزان حذف بیشتر و یا تقریباً برابر این ترکیب نفتی، اشاره کرد. همچنین در این مطالعه گازوئیل به صورت شناور بر روی سطح آب مورد تجزیه بیولوژیکی قرار گرفت که تحقیقات بسیار اندکی بر روی این موضوع به انجام رسیده است.

با توجه به تبدیل لایه گازوئیل شناور بر روی سطح آب در همان روزهای اول به قطرات بسیار ریز احتمال تولید بیوسورفکتانت‌ها، وجود داشت که با انجام آزمون E24 تولید مقادیر اندکی از این ترکیبات تأیید شد. شاخص امولسیون سازی هر دو میکروارگانیزم به ترتیب ۲۳ و ۲۱ درصد محاسبه گردید. لیانگ^۲ در مطالعه خود به این نتیجه رسید که حضور سورفکتانت‌ها و یا ترکیبات سریع تجزیه شونده مانند گلیسیروول برای شروع تجزیه بیولوژیکی ترکیبات نفتی لازم است ولی همان‌طور که در این مطالعه مشخص است به دلیل امکان تولید بیوسورفکتانت‌ها توسط

¹ Vieira et al.

² Liang

۳-۳- تأثیر عوامل محیطی بر کارایی و عملکرد حذف

میزان و نحوه تأثیر عوامل مختلف بر میزان کارایی و عملکرد حذف (به صورت نسبت S/N) برای هر یک از عوامل بررسی شد و نتایج زیر به دست آمد:

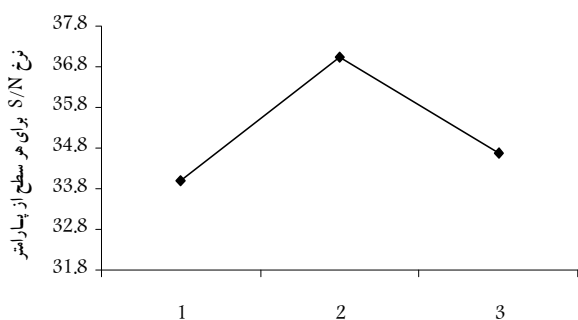
۳-۳-۱- تأثیر شوری

ورود و خروج بخشی از ترکیبات مورد نیاز سلول مانند یون‌های کلسیم، منیزیم، سدیم، پتاسیم، توسط پدیده انتشار در غشای سلولی صورت می‌پذیرد. بخشی از ترکیبات مذکور برای رشد سلول‌ها بسیار ضروری است. بنابراین افزایش و یا کاهش غلظت این یون‌ها در آب می‌تواند به نوبه خود منجر به تغییر غلظت شوری گردد که این امر نیز تأثیر مستقیمی بر روی توانایی جذب این ترکیبات توسط سلول دارد. از سوی دیگر افزایش بیش از حد شوری می‌تواند منجر به خروج آب از غشای سلولی به سبب پدیده اسمز گردیده و رشد سلول را مختل سازد. معمولاً فاضلابهای صنایع نفت و گاز که بعضاً حاوی برخی ترکیبات نفتی با غلظتهای بالا می‌باشند، شوری بالایی نیز دارند [۱۶ و ۱۷]. بنابراین لازم است میکروارگانیسم‌های به کار گرفته شده در تصفیه این گونه فاضلابها برای تحمل شوری بالا، مورد بررسی قرار گیرند. همان‌طور که در شکل ۳ مشاهده می‌شود، تفاوت چندانی در بین کارایی میکروارگانیسم در شوری ۷ و ۸ درصد یعنی سطح ۲ و ۳، مشاهده نمی‌شود. بنابراین میکروارگانیسم‌های به کار رفته در این مطالعه قادر به ادامه فعالیت خود در فاضلابهایی با شوری بالا (۸ درصد) نیز هستند، هر چند که در سطوح بالاتر از ۷ درصد، کارایی میکروارگانیسم طبق شکل ۳ تا حدودی کاسته می‌شود. باکتری‌های خالص‌سازی شده در این مطالعه از مخزن نگهداری گازوئیل یک پمپ بنزین جداسازی شده‌اند و برای مدتها با شرایط بد محیطی

همچون رطوبت کم و به واسطه آن شوری زیاد در اثر تبخیر این رطوبت کم و همچنین غلظت بالای ترکیبات نفتی سازگار شده‌اند. لذا طبیعی است که در شرایطی که سالیان سال به تحمل آن عادت نموده‌اند بهترین رشد را داشته باشند. بنابراین این میکروارگانیسم‌ها از نوع شوری دوست (هالوفیل) هستند. لی و همکارانش در مطالعه خود توانستند میکروارگانیسم‌هایی را از طبیعت جدا نمایند که تجزیه نفت خام را در شوری برابر با ۶ درصد نیز ادامه دهند [۱۵]. همان‌طور که مشخص است یکی دیگر از برتری‌های A_1 و A_2 امکان ادامه فعالیت مناسب در شوری ۷ درصد می‌باشد که بیش از سایر مطالعات مشابه است.

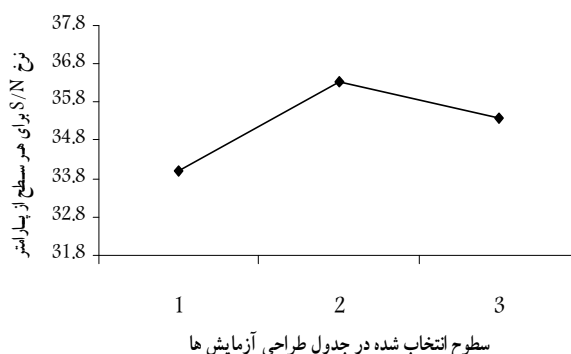
۳-۳-۲- تأثیر pH محیط

pH محیط یکی از عوامل مؤثر بر روی متابولیسم سلول‌ها و کارکرد آنزیم‌های آنها است. با توجه به شکل ۴، با افزایش pH از ۶ به ۷ (سطح ۱ به سطح ۲) نرخ پاسخ S/N به شدت افزایش می‌یابد. با ادامه افزایش pH از ۷ به ۸ (سطح ۲ به سطح ۳) مجدداً نرخ پاسخ S/N کاهش قابل توجهی می‌یابد. بنابراین بهترین رشد میکروارگانیسم در pH برابر با ۷ رخ می‌دهد. pH مناسب میکروارگانیسم‌ها در بیشتر مطالعات در محدوده خنثی است که با توجه به نزدیک بودن شرایط بهینه به دست آمده در این مطالعه به محدوده ۶/۵ تا ۷/۵ (شرایط بهینه عمومی) می‌توان به صحت این ادعا پی برد [۲۲]. pH مناسب در بیشتر مطالعات قبلی نیز برای میکروارگانیسم‌های مختلف در همین محدوده به دست آمده است [۱، ۱۵ و ۱۶].



شکل ۴- نمودار نرخ S/N محاسبه شده برای حذف گازوئیل شناور

سطوح pH: سطح ۱ برابر ۶، سطح ۲ برابر ۷ و سطح ۳ برابر ۸

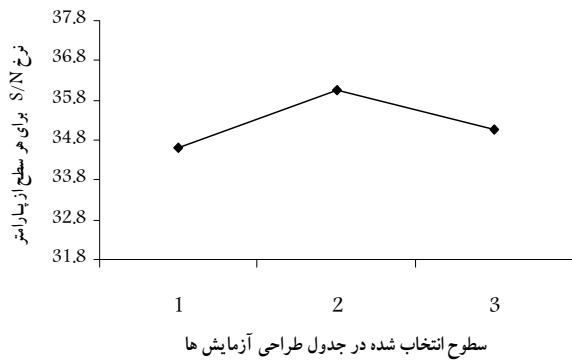


شکل ۳- نمودار نرخ S/N محاسبه شده برای حذف گازوئیل شناور

سطوح درصد شوری: سطح ۱ برابر با ۴ درصد، سطح ۲ برابر با ۶ درصد و سطح ۳ برابر با ۸ درصد

۳-۳-۳- تأثیر غلظت منبع نیتروژن

نیتروژن عنصری ضروری برای رشد و متابولیسم میکروارگانیسم‌ها به حساب می‌آید و یکی از اساسی‌ترین عناصر موجود در آنزیم‌ها است. در این مطالعه از سه غلظت مختلف نیتروژن که به کمک ترکیب $NaNO_3$ ایجاد می‌گردید، استفاده شد. همان‌طور که در



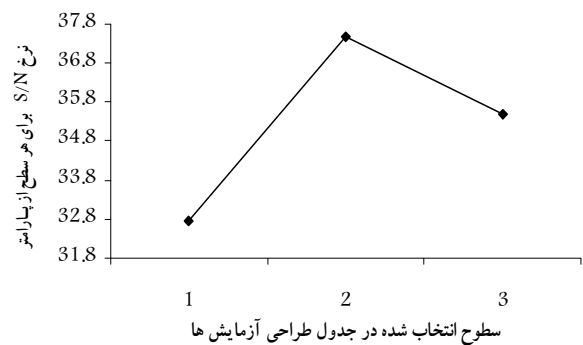
شکل ۶- نمودار نرخ S/N محاسبه شده برای حذف گازوئیل شناور
سطوح درصد گازوئیل (منبع کربن): سطح ۱ برابر با ۰/۵ درصد سطح ۲
برابر با ۱ درصد سطح ۳ برابر با ۲ درصد

(حجمی/حجمی) گازوئیل بهترین پاسخ را در حذف این ترکیب ایجاد نمود. با افزایش این مقدار سمیت برخی ترکیبات موجود در گازوئیل پدیدار شده و باعث کاهش میزان پاسخ شدند. همچنین بیوسورفکتانت تولیدی توسط میکروارگانیسم‌ها، محدود بوده و با افزایش غلظت گازوئیل شناور، افزایش میزان قطرات ریز تولیدی و به واسطه آن افزایش سطح پدیدار نمی‌گردد که این نیز یکی از دلایل کاهش میزان پاسخ میکروارگانیسم نسبت به افزایش غلظت گازوئیل است. ویرا در بررسی‌های خود تأثیر غلظت سوخت‌های فسیلی (بنزین و گازوئیل)، غلظت نیتروژن و نوع میکروارگانیسم را بر روی میزان تجزیه بیولوژیک میکروارگانیسم‌ها بررسی نمود. وی در مطالعات خود پارامتر غلظت گازوئیل را در سطح‌های ۰/۵ درصد تا ۶ درصد آزمو و نهایتاً غلظت بهینه گازوئیل را ۴ درصد گزارش کرد [۶].

۳-۴- تحلیل واریانس نتایج و تعیین شرایط بهینه نسبی

داده‌ها توسط جدول ANOVA آنالیز آماری گردیدند. هدف از آنالیز ANOVA به دست آوردن نسبت واریانس هر فاکتور نسبت به واریانس کل بود [۲۰]. درجه آزادی محاسبه شده برای هر فاکتور در این مطالعه ۲ بود و کل DOF برابر ۸ محاسبه گردید بنابراین DOF برای خطا صفر محاسبه شد. نهایتاً واریانس خطا توسط محاسبه مجموع مربع خطا و تقسیم آن بر درجه آزادی به دست آمد. نسبت F^۲ از واریانس هر فاکتور نسبت به دوره خطا محاسبه می‌گردد. چون دوره خطا در این مطالعه برابر صفر محاسبه شده است بنابراین محاسبه F ratio غیر ممکن است. در جدول ۵ مقادیر ANOVA نمایش داده شده است. به این ترتیب شرایط بهینه در مطالعه به صورت زیر به دست آمد. pH برابر با ۷، بهترین غلظت

شکل ۵ مشخص است در کمترین غلظت نیتروژن یعنی ۰/۲۱ گرم بر لیتر، کمترین میزان پاسخ مشاهده شده است. با افزایش این غلظت به ۰/۵۵ گرم بر لیتر بیشترین پاسخ محاسبه شده به دست آمد. مجدداً با افزایش این مقدار تا ۰/۸۵ گرم بر لیتر، میزان پاسخ کاهش یافت. این کاهش میزان پاسخ را می‌توان به سمیت منبع نیتروژن به کار رفته در این مطالعه نسبت داد. بنابر این غلظت ۰/۵۵ میلی‌گرم بر لیتر به عنوان غلظت بهینه، محاسبه شد. ویرا و همکارانش نیز در مطالعه خود غلظت بهینه نیتروژن را در تجزیه بیولوژیکی مخلوط گازوئیل و بنزین برابر با ۰/۵۵ میلی‌گرم در لیتر محاسبه نمودند [۶]. لی و همکارانش نیز در تحقیقات خود بهترین حذف اکسیژن خواهی شیمیایی ناشی از ترکیبات نفتی را به کمک اضافه نمودن یک درصد (W/V) از (NH₄)₂SO₄ به عنوان منبع نیتروژن به دست آوردند [۱۵].



شکل ۵- نمودار نرخ S/N محاسبه شده برای حذف گازوئیل شناور
سطوح غلظت نیتروژن: (۱) ۰/۲۱ گرم بر لیتر، (۲) ۰/۵۵ گرم بر لیتر و
(۳) ۰/۸۵ گرم بر لیتر

۳-۴- تأثیر غلظت منبع کربن

همان‌طور که در شکل ۶ نشان داده شده است سطح دوم غلظت کربن مورد استفاده در این مطالعه به عنوان بهترین میزان منبع کربن مشخص گردید. آزمون تعیین شاخص امولسیون سازی نیز نشان داد که هر دو گونه میکروارگانیسم جدا شده در این مطالعه قادر به تولید بیوسورفکتانت‌ها می‌باشند. به علت ناچیز بودن حلالیت گازوئیل در آب، میکروارگانیسم‌ها با تولید بیوسورفکتانت‌ها، گازوئیل شناور بر روی سطح آب را به قطرات کوچک تقسیم کرده که این امر باعث تولید سطح قابل دسترس بیشتری برای میکروارگانیسم‌ها می‌گردد. بنابراین افزایش غلظت گازوئیل شناور تا حدی می‌تواند منجر به تشکیل قطرات بیشتر و سطح قابل دسترس بیشتر گردد. همان‌طور که در بخش مشاهده می‌گردد، میزان ۱ درصد

¹ Degree of Freedom (DOF)

² F Ratio

جدول ۶- شرایط بهینه برای دستیابی به حداکثر رشد میکروارگانیسم‌ها

عوامل	مقدار بهینه	میزان پاسخ (بر حسب دسیبل)
pH	۷	۱/۹۳۷
غلظت منبع نیتروژن	۰/۵۵ میلی گرم در لیتر	۲/۳۷۹
درصد گازوئیل موجود	۱	۰/۹۳۴
درصد شوری	۶	۱/۲۲۳
سهم کل عوامل در بهبود پاسخ		۶/۴۷۲
متوسط پاسخ های فعلی در آزمایش های انجام شده		۳۵/۱۱۹
پاسخ پیش بینی شده در شرایط بهینه (S/N)		۴۱/۵۹۲

۴- نتیجه گیری

در این مطالعه دو میکروارگانیسم که قادر به تجزیه گازوئیل بودند مورد بررسی قرار گرفتند. نمونه گیری از مخزن ذخیره پمپ بنزینی در شهر اصفهان انجام شد. در ادامه، بهینه سازی شرایط رشد این میکروارگانیسم‌ها در حالت کشت مخلوط بررسی شد. از این مطالعه به طور خلاصه نتایج زیر حاصل گردید:

۱- میکروارگانیسم A₁ و A₂ در حالت کشت خالص، به ترتیب قادر به تجزیه ۸۸ و ۸۴ درصد گازوئیل شناور بر روی آب بودند. این میکروارگانیسم‌ها در حالت کشت مخلوط که غلظت اولیه تلقیح در آنها یکسان بود، قادر به ۸۵ درصد تجزیه گازوئیل بودند.

۲- میکروارگانیسم A₁ که قادر به حذف ۸۸ درصد گازوئیل شناور بر روی آب بود، برای شناسایی انتخاب گردید و با انجام آزمایش های لازم به عنوان یک باکتری به نام سودوموناس آئروژنوزا شناسایی شد. این میکروارگانیسم قبلاً به عنوان میکروارگانیسم مناسب برای تجزیه نفت خام و تولید بیوسورفکتانت توسط سایر محققان نیز معرفی شده بود. اما در این مطالعه از این میکروارگانیسم، برای اولین بار برای حذف گازوئیل استفاده شد [۱۷].

۳- هر دو میکروارگانیسم جدا شده در این مطالعه با کمک آزمون تعیین شاخص امولسیون سازی مورد بررسی قرار گرفتند که نتایج این بررسی نشان داد هر دو گونه قادر به تولید بیوسورفکتانت هستند. شاخص امولسیون سازی A₁ و A₂ به ترتیب برابر با ۲۳ و ۲۱ درصد محاسبه شد.

۴- شرایط بهینه در این مطالعه به این صورت تعیین شد: pH برابر با ۷، بهترین غلظت منبع نیتروژن در بین غلظت های مختلف در نظر گرفته شده در این مطالعه ۰/۵۵ گرم در لیتر، بهترین میزان گازوئیل شناور بر روی سطح آب برابر با ۱ درصد و در نهایت اینکه این میکروارگانیسم‌ها توانایی فعالیت در بهترین حالت خود را در

منبع نیتروژن در بین غلظت های مختلف در نظر گرفته شده در این مطالعه ۰/۵۵ گرم در لیتر، بهترین میزان گازوئیل شناور بر روی سطح آب برابر با ۱ درصد و در نهایت این میکروارگانیسم‌ها توانایی فعالیت در بهترین حالت خود را در شوری ۶ درصد دارا بودند.

در جدول ۵ تأثیر هر پارامتر انتخابی در محدوده انتخاب شده درج گردیده است. همان طور که دیده می شود، مؤثرترین پارامتر انتخابی نوع منبع نیتروژن با ۵۶ درصد تأثیر بوده است و بعد از آن pH راکتور با ۲۵ درصد تأثیر در رتبه های بعدی قرار گرفته و درصد شوری و غلظت گازوئیل موجود در محیط به ترتیب با ۱۳ و ۵ درصد در رتبه های بعدی قرار دارند.

جدول ۵- (ANOVA) تأثیر عوامل مداخله کننده در کارایی حذف

فاکتورها	DOF	مجموع مربعات	واریانس	درصد تأثیر هر فاکتور
pH	۲	۱۵/۴۳۳	۷/۷۱۶	۲۵/۲۸۳
غلظت منبع نیتروژن	۲	۳۴/۲۲	۱۷/۱۱۱	۵۶/۰۶۶
گازوئیل موجود	۲	۳/۲۱۷	۱/۶۰۸	۵/۲۷
درصد شوری	۲	۸/۱۶۶	۴/۰۸۳	۱۳/۳۷۸
کل	۸	۶۱/۰۳۹	---	۱۰۰

با توجه به نمودارهای تأثیر عوامل و نتایج جدول ANOVA می توان شرایط بهینه نسبی برای رسیدن به حداکثر رشد میکروارگانیسم‌ها و در نتیجه بیشترین درصد حذف گازوئیل را نسبت به دو سطح دیگر هر عامل به دست آورد. جدول ۶ شرایط بهینه نسبی تعیین شده در روش تاگوچی را نشان می دهد. همان طور که ملاحظه می شود تمام عوامل باید در بالاترین سطح خود قرار گیرند تا بهترین پاسخ به دست آید.

در این جدول همچنین میزان سهم مقدار بهینه هر یک از عوامل در بهبود پاسخ تبدیل یافته (S/N) در ستون آخر نشان داده شده است. در صورت اعمال شرایط بهینه مقدار پاسخ تبدیل یافته، بیش از ۶/۴۷۲ واحد نسبت به مقدار متوسط پاسخ های فعلی (حدود ۳۵) بهبود خواهد یافت و در نتیجه پاسخی معادل با ۴۱/۵۹۲ را به دست خواهد داد. با مقایسه این پاسخ پیش بینی شده با مقادیر پاسخ های به دست آمده در ستون آخر جدول ۳ می توان به بهبود پاسخ تحت شرایط بهینه پی برد.

شوری ۶ درصد دارا بودند. فاکتورهای در نظر گرفته شده در محدوده انتخابی در این مطالعه به ترتیب اهمیت عبارت بودند از: غلظت منبع نیتروژن، pH، درصد شوری و در نهایت درصد گازوئیل.

۵- تقدیر و تشکر

گروه مطالعات از گروه مهندسی شیمی دانشگاه اصفهان و مؤسسه آموزش عالی جامی که با کمکهای مادی و معنوی خود موجب انجام این مطالعه گردیدند، تشکر می‌نماید.

۶- مراجع

- 1- Tellez, G. T., Nirmalakhandan, N., and Gardea-Torresdey, J., L. (2002). "Performance evaluation of an activated sludge system for removing petroleum hydrocarbons from oilfield produced water." *Advances in Environmental Research*, 6 (4), 455-470.
- 2- Talaie, A.R. (2008). "Parametric study of petroleum compounds biodegradation using microorganisms." M.Sc. Thesis of Environmental Engineering, Science and Research University Branch-Ahvaz.
- 3- Capelle, F.H. (1993). *Ground-water microbiology and geochemistry*, John Wiley and Sons, Inc, N.Y.
- 4- Neff, J. M., Sauer, T.C., Macialek, N. (1992). "Composition, fate and effects of produced water discharges to nearshore marine waters." *Environ. Sci. Res.*, 46, 371-385.
- 5- Hua, J. (2006). "Biodegradation of dispersed marine fuel oil in sediment under engineered pre-spill application strategy." *Ocean Engineering*, 33 (2), 152-167.
- 6- Vieira, P.A., Vieira, R. B., Franc, F.P., and Cardoso, V.L. (2007). "Biodegradation of effluent contaminated with diesel fuel and gasoline." *Journal of Hazardous Materials*, 140 (1-2), 52-59.
- 7- Tiburtius, E. R. L., Zamora, P. P., and Leal, E.S. (2004). "Contamination of waters by BTXs and processes used in the remediation of contaminated sites." *Qu'ím. Nova.*, 27, (3), 441-446.
- 8- Gogoi, B.K., Dutta, N. N., Goswami, P. and Krishna Mohan, T.R. (2003). "A case study of bioremediation of petroleum-hydrocarbon contaminated soil at a crude oil spill site." *Adv. Environ. Res.*, 7, 767-782.
- 9- Townsend, G. T., Prince, R. C., and Suflita, J. M. (2004). "Anaerobic biodegradation of alicyclic constituents of gasoline and natural gas condensate by bacteria from an anoxic aquifer." *FEMS Microbiol. Ecol*, 49 (1), 129-135.
- 10- Kaluarachchi, J. J., Cvetkovic, V., and Berglund, S. (2000). "Stochastic analysis of oxygen- and nitrate-based biodegradation of hydrocarbons in aquifers." *J. Cont. Hydrol.*, 41, 335-365.
- 11- Bielicka, K., Kaczorek, E., Olszanowski, A., and Voelkel, A. (2002). "Examination of biodegradation of hydrocarbons in emulsified systems." *Publish J. Environ. Stud.*, 11 (1), 11-16.
- 12- Diaz, M. P., Grigson, S. J. W., Peppiatt, C.J., and Burgess, J.G. (2000). "Isolation and characterization of novel hydrocarbon-degrading euryhaline consortia from crude oil and mangrove sediments." *Mar. Biotech.*, 2 (6), 522-532.
- 13- Lakha, S. S., Miller, M., Campbell, R.G., Elahimanesh, K. S. P., Hart, M.M., and Trevors, J.T. (2005). "Microbial gene expression in soil: methods, applications and challenges." *J. Microbiol. Method*, 63 (1), 1-19.
- 14- Grishchenkov, V.G. Townsend, R.T. McDonald, T.J. Autenrieth, R.L. Bonner, J.S., and Boronin, A.M. (2000). "Degradation of petroleum hydrocarbons by facultative anaerobic bacteria under aerobic and anaerobic conditions." *Process Biochem.*, 35 (9), 889-896.
- 15- Li, Q., Congbao, K., and Changkai Z. (2005). "Wastewater Produced from an oilfield and Continuous Treatment with and Oil-Degrading Bacterium." *Process Biochemistry*, 40 (2), 873-877.
- 16- Dibble, J.T., and Bartha, R. (1979). "Effect of environmental parameters on the biodegradation of oil sludge." *Applied and Environmental Microbiology*, 37 (4) 729-739.
- 17- Liang, Z. G., Wu Y. T., Qian X. P., and Meng, Q. (2005). "Biodegradation of crude by *Pseudomonas Aeruginosa* in the presence of rhamnolipids," *Journal of Zhejiang University Science*, 6B(8), 725-730.

- 18- Meintanis, C., Kalliopi, I. C., Konstantinos- Kormas, A., and Amalia D. K., (2006). "Biodegradation of crude oil by thermophilic bacteria isolated from a Volcano Island." *Biodegradation*,17(2), 3-9.
- 19- Kabiri, K. (2008). "Biodegradation of petroleum pollutant from soil." M.Sc Thesis of Biotechnology, Esfehan University.
- 20- Daneshvar, N., Khataee, A.R., Rasoulifard, M., and Pourhassan, M. (2007). "Biodegradation of dye solution containing Malachite Green: Optimization of effective parameters using Taguchi method." *Journal of Hazardous Materials*, 143 (1-2), 214-219.
- 21- Urum, k., Pekdemir, T., and Copur M. (2004). "Surfactants treatment of crude oil contaminated soils." *Journal of Colloid and Interface Science*, 276 (2), 456-464.
- 22- Tchobanoglous, G., and Burton, F. (2003). *Wastewater engineering treatment and reuse*, 4thEd., McGraw Hill, Metcalf and Eddy Inc., New York.